

بچه‌ها، شاد از مدرسه بیرون می‌آیند  
صدای نرمشان در کوچه پرواز می‌کند  
در هوای بهار که مانند تن جوجه، گرم است.

چه شاد است کوچوی طولانی در سکوت  
سکوتی که با صدای اسکناس‌های عیدی شکسته می‌شود  
اسکناس‌هایی که انگار می‌خندند.

...

درخت‌ها قد می‌کشند کم کم  
مانند سرهایی بزرگ  
با موهایی خوش‌بو.

درخت چه زیاد فکر می‌کند  
به بهاری که خداوند به ما داده است.

بهار، پر از خورشید است  
و همه جا را پر از طلا می‌کند.

شاعر: فدریکو گارسیا لورکا  
مترجم: هدی حدادی  
بازنویسی از شهرام شفیعی

# بهار

